

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

درس پنجم - یازدهم انسانی

واژه نامه

<p>أَنَّ تَشْحَنِي: که شارژ کنی الشَّرِيحَةَ: سیم کارت صَاحِبٌ: دوست «جمع: أصحاب»= صَدِيقٌ ≠ عَدُوٌّ صَفْحَةٌ: یک روی چیزی «صَفْحَاتُ الْوَجْهِ: همه جای چهره» طَنْطَنَةٌ: بانگ (بانگ آرام نیایش) عَادٌ: بازگشت (مضارع: يَعودُ) = رَجَعَ قَلْبُهُ اللِّسَانِ: لغزش زبان از نیندیشیدن «جمع: فَلَائِتَاتُ» كَادَ يَغْرُقُ: نزدیک بود غرق بشود كَبَّرَ: بزرگ شد (مضارع: يَكْبُرُ) «كَبَّرْتُ خِيَانَةً: خیانت بزرگی است!» «كَبَّرَ صَغُرَ كَرَّرَ: تکرار کرد (مضارع: يَكْرُرُ) كَلَّمَا: هرگاه نَجَدَةٌ: کمک = مَسَاعِدَةٌ، نَصْرٌ يَبْعَدُ: دور می سازد يَقْرَبُ: نزدیک می سازد</p>	<p>أَنْكَرَ: دروغ دانست، انکار کرد (مضارع: يَنْكُرُ) بَرْنَامَجٌ: برنامه جَرَّ يَجِرُّ: کشید حَدَّثَ: سخن گفت (مضارع: يَحَدِّثُ) = كَلَّمَ، تَكَلَّمَ حَكَى: حکایت کرد (مضارع: يَحْكِي) خَشَعَ: فروتنی کرد لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی کند الرَّصِيدَ: اعتبار مالی، شارژ رَفَعَ: بالا برد (لا تَرْفَعُ: بالا برده نمی شود (بالا نمی رود) سَامِحِيْنِي: مرا ببخش السَّبَاحَةَ: شنا کردن سَبَحَ: شنا کرد (مضارع: يَسْبَحُ) شَبِعَ: سیر شد (لا تَشْبَعُ: سیر نمی شود) الشَّحْنَ: شارژ کردن</p>	<p>الاحْتِيَالُ: فریبکاری أَخَذَ: شروع کرد، «أَخَذَ يُنَادِي: شروع کرد به صدا زدن» اسْتَشَارَ: مشورت کرد (لا تَسْتَشِرْ: با ... مشورت کن) اسْتَطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ) أَسْرَعَ: شتافت (مضارع: يَسْرِعُ) = عَجَلَ أَصْلَحَ: درست گرداند (مضارع: يَصْلِحُ) ≠ أَفْسَدَ أَضْمَرَ: پنهان کرد (مضارع: يَضْمِرُ) = أَخْفَى ≠ أَظْهَرَ اغْتَرَبَ: فریب خورد (لا تَغْتَرِبْ: فریب نخورید) التَّزَامُ: پایبندی (التَّزَمَ، يَلْتَزِمُ) التَّنَفَّتْ: توجه کرد (مضارع: يَلْتَفِتُ) «لَمْ يَلْتَفِتُوا: توجه نکردند» أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ: حق با شماست</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

قواعد درس پنجم - یازدهم

جمله پس از نکره (جمله وصفیه)

به مثال های زیر دقت کنید:

به دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون یاری کند.

أَفْتَشُ عَنْ مُعْجَمٍ يَسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ
النُّصُوصِ

هر معلمی، دانش آموزانی را که با دقت به درس گوش می دهند دوست دارد.

كُلُّ مُعَلِّمٍ يُحِبُّ تَطَلُّبًا يَسْتَمِعُونَ الدَّرْسَ بِدِقَّةٍ

فعل‌های «يُسَاعِدُ» و «يَسْتَمِعُونَ» به ترتیب بعد از اسم‌های نکره «مُعْجَمٌ» و «تَطَلُّبًا» آمده‌اند و آن‌ها را توصیف کرده‌اند. به این نوع فعل‌ها در عربی **جمله وصفیه** می‌گوییم. (برای سهولت، در جزوه از نام جمله وصفیه نیز استفاده می‌کنیم)

تعریف

جمله پس از نکره، غالباً جمله فعلیه‌ای است که بعد از یک اسم نکره می‌آید و آن را وصف می‌کند.

شناخت جمله پس از نکره

برای پیدا کردن جمله وصفیه باید ابتدا یک اسم نکره پیدا کنیم و سپس جمله‌ای که آن اسم نکره را توصیف کرده شناسایی کنیم.



كُلُّ مُعَلِّمٍ يُحِبُّ تَطَلُّبًا يَسْتَمِعُونَ الدَّرْسَ بِدِقَّةٍ ← هر معلمی، دانش آموزانی را که با دقت به درس گوش می دهند دوست دارد.
نکره جمله وصفیه

فعل «يَسْتَمِعُونَ» اسم نکره «تَطَلُّبًا» را توصیف کرده است؛ پس جمله بعد از نکره یا همان جمله وصفیه است.

نکته

در هنگام ترجمه جمله وصفیه از حرف «که» استفاده می‌کنیم؛



ما اسمُ كِتَابٍ قَامَ بِتَرْبِيَةِ الْأَطْفَالِ ← اسم کتابی که به تربیت کودکان پرداخته است چیست؟
نکره جمله وصفیه

نکات تکمیلی

۱) دقت کنیم که فعل جمله، کدام اسم را توضیح می دهد.

ممکن است بعد از اسم معرفه بیاید ولی اسم نکره را توضیح دهد. یا به عبارتی بین جمله وصفیه و موصوف نکره ی آن فاصله باشد.

هُنَاكَ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَا تَتَحَرَّكُ أَبَدًا

حیوانات دریایی در اعماق اقیانوس وجود دارند که هرگز حرکت نمی کنند.

در این مثال فعل «لا تتحرک» اسم قبل از خود یعنی «المحيط» را توضیح نمی دهد بلکه در مورد «حیوانات» است که یک اسم نکره است بنا براین جمله وصفیه برای آن است.

و یا ممکن است بعد از اسم نکره بیاید ولی اسم معرفه ای در قبل را توضیح دهد. در اینصورت دیگر جمله وصفیه نیست.

يَذْهَبُ التَّلَامِيذُ إِلَى مَكْتَبَةٍ وَ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ

دانش آموزان در حالیکه کیفهایشان را می برند به کتابخانه ای می روند

با این که جمله « نَحْمِلُ » بعد از اسم نکره «مَكْتَبَةٌ» آمده، جمله وصفیه نیست چون با آن ارتباط ندارد بلکه مربوط به «التلاميذ» است.

۲- جمله وصفیه با حروف «فَ وَ، ثُمَّ، حَتَّى، أَنْ، إِنْ، أَنْ، ...» شروع نمی گردد .

«...أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...»

فرستاده ای به سوی فرعون فرستادیم، پس فرعون از فرستاده سرپیچی کرد.

در آیه شریفه به عَلَّتِ آمدنِ «فَ» دیگر جمله «فَعَصَى» جمله وصفیه نیست.

كُلُّ مُعَلِّمٍ يُحِبُّ تَلَّابًا يَسْتَمِعُونَ الدَّرْسَ بِدِقَّةٍ وَيَتَعَلَّمُونَهُ

هر معلمی، دانش آموزانی را که با دقت به درس گوش می دهند و آن را یاد می گیرند دوست دارد.

در این مثال به عَلَّتِ آمدنِ «واو» دیگر جمله «يَتَعَلَّمُونَ» نمی تواند جمله وصفیه باشد.

بیشتر بدانیم

جمله وصفیه می تواند یک جمله اسمیه باشد.



انْعَقَدَتْ فِي الْمَدْرَسَةِ حَفْلَةً فِيهَا الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ. ← در مدرسه جشنی برپا شد که در آن پدران و مادران بودند.
نکره جمله وصفیه اسمیه

ترجمه جمله پس از نکره

الف) اگر جمله وصفیه فعل مضارعی باشد که در جمله ی قبل از آن، فعل ماضی آمده باشد، جمله وصفیه را معمولاً به صورت **ماضی استمراری** ترجمه می کنیم.

رَأَيْتُ فِي الشَّارِعِ طَالِبًا **يَمْشِي** بِسُرْعَةٍ :

جمله وصفیه (فعل مضارع)

اسم نکره

فعل ماضی

در خیابان دانش آموزی را دیدم که به سرعت **راه می رفت**.

ب) اگر فعل اول مضارع باشد و جمله وصفیه هم فعل مضارع باشد، جمله وصفیه را به صورت **مضارع التزامی** ترجمه می کنیم:

أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يَسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ :

جمله وصفیه (فعل مضارع)

اسم نکره

فعل مضارع

به دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون **یاری کند**.

ج) اگر فعل اول، و دوم (جمله وصفیه) هر دو ماضی باشند، جمله وصفیه را به صورت **ماضی بعید** یا **ماضی ساده** ترجمه می کنیم:

تَكَلَّمْتُ لِأَعْيَابٍ فَازَ فِي الْمُسَابَقَةِ :

جمله وصفیه (فعل ماضی)

اسم نکره

فعل ماضی

با بازیکنی صحبت کردم که در مسابقه **برنده شده بود**. (برنده شد)



اگر قبل از جمله وصفیه، فعل دیگری نیامده باشد، در این حالت جمله وصفیه به همان زمانی که هست

ترجمه می شود بنابراین اگر فعل مضارع باشد به صورت مضارع اخباری و اگر ماضی باشد به صورت ماضی (ساده یا

تقلی) ترجمه می شود.

القنَاعَةُ كَنْزٌ يُفِيدُ الْإِنْسَانَ:

جمله وصفیه

اسم نکره

قناعت گنجی است که به انسان سود می رساند.

كُلُّ مُعَلِّمٍ يُحِبُّ تَلَامِيذَهُ يَسْتَمِعُونَ الدَّرْسَ بِدِقَّةٍ

جمله وصفیه

اسم نکره

هر معلمی، دانش آموزانی را که با دقت به درس گوش می دهند دوست دارد.

فِي الْحَدِيقَةِ غَزَالٌ ضَاعَ أُمُّهُ آخِرًا:

جمله وصفیه

اسم نکره

در مزرعه آهوپی است که مادرش را به تازگی از دست داده است.

مَا اسْمُ كِتَابٍ شَاهَدْتُ فِي مَكْتَبَتِكُمْ

جمله وصفیه

اسم نکره

اسم کتابی که در کتابخانه یتان دیدم چیست؟

تست درس پنجم عربی دهم انسانی

۱. "يدلُّ بعضُ الطُّيُورِ العِلْمَاءِ عَلَى الخِوَاصِّ الطَّيِّبَةِ لِلْأَعْشَابِ لِلوقَايَةِ مِنَ الأَمْرَاضِ".

- ۱) برخی پرندگان دانشمندان را به خواص پزشکی گیاهان دارویی برای پیشگیری از بیماری‌ها هدایت می‌کنند.
- ۲) بعضی پرنده‌ها عالمان را به خواص طبی گیاهان برای جلوگیری از بیماری‌ها راهنمایی می‌نمایند.
- ۳) بعضی پرندگان دانشمندان را به خاصیت‌های پزشکی گیاهان برای پیشگیری از بیماری‌ها راهنمایی می‌کنند.
- ۴) برخی پرنده‌ها عالمان را به خاصیت طبی گیاهان برای جلوگیری از بیماری‌ها هدایت می‌کنند.

۲. "فِي عَيُونِ بَعْضِ الأَسْمَاقِ نَوْعٌ مِنَ البَكْتَرِيَا المُضَيِّئَةِ يَسْتَطِيعُ الغَوَاصُّ أَنْ يَلْتَقِطَ الصُّورَ فِي ضَوْءِهَا".

- ۱) نوعی از باکتری نورانی در چشمان بعضی ماهی‌ها هست که غواص می‌تواند در نور آن عکس بگیرد.
- ۲) چشم‌های بعضی ماهی‌ها باکتری روشن دارند که غواص در نور آن‌ها عکس‌هایی می‌گیرد.
- ۳) در چشم‌های بعضی ماهی‌ها باکتری نورانی وجود دارد و غواص در نور آن‌ها می‌تواند عکس بگیرد.
- ۴) در چشمان برخی ماهی‌ها نوعی از باکتری روشن هست و غواص می‌تواند در نور آن‌ها عکس‌هایی بگیرد.

۳. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) "يَمْلِكُ القِطُّ غُدًّا فِي السَّانَةِ تُفَرِّزُ طَبِيًّا". گربه در زبان خود غده‌ای دارد که مایعی طبی ترشح می‌کند.
- ۲) "يُحَدِّرُ الغَرَابُ بِصَوْتِهِ أَهْلَ الغَابَةِ بِالقُرْبِ مِنَ الخَطَرِ". کلاغ با صدایش به اهل جنگل در نزدیکی خطر هشدار داد.
- ۳) "مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ العَقْلِ". خداوند برای بندگانش چیزی بهتر از عقل تقسیم نکرده است.
- ۴) "يُرِيدُ العَدُوُّ الخَبِيثُ أَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ بَلَدِكُمْ". دشمن خبیث می‌خواهد شما از کشورتان بیرون برود.

۴. عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

۱) فَحَصَ الطَّيِّبُ أَسْنَانَ وَكَلِدِهِ الغَيْرِ!؛ پزشک، دندان پسر کوچکش را دید!

۲) نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءً؛ از آن به عنوان دارو استفاده می‌کنیم!

٣) أَشْتَرِي مَرَهْمًا لِلْحَسَّاسِيَّةِ!؛ بِمَادِي بَرَاي حَسَاسِيَّتِ خَرِيد!

٤) أَظُنُّ رَأْسَ الْبُومَةِ يُدِيرُ! كَمَا كَرْدِ سَرِ جَعْدِ مِي چَرخدا!

٥. مَا هُمُ الْخَطَأُ فِي الْحَوَارَاتِ التَّالِيَةِ؟

١) أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. -نَحْنُ فِي خِدْمَتِكُمْ، تَفَضَّلُوا.

٢) لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟ -لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ وَمُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى.

٣) هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟ -بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

٤) كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ -أَظُنُّ الْمَسَافَةَ سَبْعَةَ وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا.

٦. عَيِّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ:

١) يُرْسَلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَايَةِ!

٢) صَلَاةٌ عَلَى جَهْلِ خَيْرٍ مِنْ نَوْمٍ عَلَى عِلْمٍ!

٣) الْوَقَايَةُ مِنَ الْأَمْرَاضِ خَيْرٌ مِنَ الْعِلَاجِ!

٤) يَحْتَوِي الزَّيْتُونُ عَلَى زَيْتٍ كَثِيرٍ!

٧. عَيِّنِ الْخَطَأَ لِتَكْمِيلِ الْجُمْلِ التَّالِيَةِ:

١) سَائِلٌ يُسْتَفَادُ لَطِيخِ الْأَطْمَعَةِ! (الزَّيْتُ)

٢) هَذِهِ الْغُرْفَةُ صَبْعَةٌ جَدًّا! (إِنَارَةٌ)

٣) خَيْرُ نَجَاحٍ فَرِيقَنَا إِنْتِبَاهِ الْأَصْدِقَاءِ! (أَثَارُ)

٤) جُرْحُ الْجَنْدِيِّ فَمَاتَ بَعْدَ قَلِيلٍ! (إِلْتِمَ)

٨. مَا هُوَ السُّؤَالُ الْمُنَاسِبُ لِلْجَوَابِ التَّالِيِ؟

"لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ وَمُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى."

١) كَيْفَ تَذْهَبِينَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟

٢) بِمِ تَذْهَبِينَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟

٣) مَتَى تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدَائِنِ؟

٤) لِمَاذَا تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟

٩. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ مَاجَاءَتِ الْكَلِمَتَانِ الْمُتَضَادَّتَانِ أَوْ الْمُتَرَادِفَتَانِ؟

١) أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَذْمُ.

٢) تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا وَتَقْدِرُ أَنْ تَرَى فِي التَّجَاهَيْنِ.

٣) البومة رأسها متحرك؛ لكن عينها كانت ثابتة.

٤) الآن ليس الوقت المناسب للابتعاد أو الاقتراب.

١٠. عَيَّنَ الْخَطَأَ حَوْلَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

٢) الغواصون ذهبوا إلى أعماق البحر ← فاعل

١) الحرباء تُدِيرُ عَيْنَيْهَا ← مضاف إليه

٤) جمال المرء فصاحة لسانه ← خبر

٣) صَوْتُهُ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ ← مفعول

١١. عَيَّنَ الصَّحِيحَ فِي الْإِشَارَةِ إِلَى الْفَاعِلِ:

٢) "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ"

١) يسكن هذا الطائر في الأماكن المتروكة.

٤) "أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَاهُ الذَّبَّابُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ"

٣) بارك ابني فيك؛ معلوماتك كثيرة.

١٢. كم مبتدأ في العبارة التالية؟ "ذنب واحد كثير و ألف طاعة قليل."

٢) ثلاثة

١) واحد

٤) أربعة

٣) اثنان

١٣. عَيَّنَ الْعِبْرَةَ الَّتِي فِيهَا الْمَفْعُولُ:

٢) تَوَاضَعْنَا لِمَنْ نَنْتَفِعُ مِنْ عِلْمِهِ.

١) نَظَرْنَا فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةً.

٤) إِغْرَاقُنَا فِي الْمَرَحِ أَكْبَرَ الْحُمُقِ.

٣) شَاهَدْنَا أَسْتَاذَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْمَكْتَبَةِ.

١٤. عَيَّنَ الْعِبْرَةَ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا صِيغَةٌ لِلْمَبْتَدَأِ:

٢) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُّ قُبْحَ النَّسَبِ.

١) رَأْيَانِ خَيْرٌ مِنْ رَأْيِ وَاحِدٍ.

٤) ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ.

٣) النَّبَاتَاتُ مُفِيدَةٌ لِمُعَالَجَةِ أَمْرَاضٍ كَثِيرَةٍ.

١٥. عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْفَاعِلُ وَالْمَفْعُولُ مَعًا:

(١) الناسُ يعرفون المرافقَ العامَّةَ.

(٢) يرمى الطفلُ النفايةَ في مكانها.

(٣) تنمو الشجرةُ من حبةٍ صغيرةٍ.

(٤) قد يسحبُ الإعصارُ الأسماكَ إلى السماء!

١٦. ميِّز التَّركيبَ الإضافيَّ في العباراتِ التَّالية:

(١) إنَّ الإيثارةَ صفةٌ إنسانيةٌ يَجِبُ أن تتحلَّى بها.

(٢) العلماءُ المسلمون ألقوا كتاباً مفيدةً في العصورِ الماضية.

(٣) أريد أن أذهب إلى المكتبةِ العامَّةِ.

(٤) الطُّلابُ المؤدِّبون في المدارس يحترِّمون المعلِّمين.

١٨. عيِّن الخبرَ الَّذي ليس فعلاً:

(١) "وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ"

(٢) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ.

(٣) أَكْبَرَ الْحَمَقِ الْإِغْرَاقَ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ.

(٤) أَخْرَجَ الطِّفْلَ مَلَابِسَهُ مِنْ جِسْمِهِ.

١٩. ميِّز الخطأَ في إعرابِ كلماتِ الجملةِ التَّالية:

"تستطيعُ الحرباءُ أن تديرَ عينيها في الاتِّجاهاتِ مُختلفةٍ دونَ أن تحركَ رأسها."

(١) عَيْنِي: فاعل

(٢) الحرباء: فاعل

(٣) مُختلفة: صفة

(٤) رأس: مفعول

٢٠. عيِّن ما ليس فيه الفاعل:

(١) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

(٢) يَحْفَظُ الشَّرْطِيُّ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ.

(٣) "أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ"

(٤) تَجَذِبُ صِنَاعَةُ إِيْرَانِيَّةِ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ.

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>